



# مگر من زن نیستم؟

سخنرانی سوجر نر تروث  
در همایش حقوق زنان اوهایو  
بر اساس ویرایش دایان راویج





---

# مگر من زن نیستم؟

سخنرانی سوجرنر تروث  
در همایش حقوق زنان اوهایو  
براساس ویرایش دایان راویچ



آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران  
**توانا**  
TAVAANA  
e-collaborative  
*for civic education*

---

THE AMERICAN READER.  
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.  
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner  
whatsoever without written permission except in the case of brief  
quotations embodied in critical articles and reviews.  
For information address HarperCollins Publishers Inc.,  
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by  
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی  
توانا  
TAVANA  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

مگر من زن نیستم؟

سخنرانی سوژرنر تروث در همایش حقوق زنان اوهایو

(Sojourner Truth's Address

to the Ohio Women's Rights Convention)

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

---

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

---

© E-Collaborative for Civic Education 2014

## e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که میشمار صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari



## فهرست

۹

۱۱

مقدمه دایان راویچ

مگر من زن نیستم؟





## مقدمه دایان راویچ

سوجرنر تروث<sup>۱</sup> در ۱۷۹۷ میلادی با نام ایزابلا در بردگی در نیویورک به دنیا آمد. پیش از ۱۸۲۷ قبل از آنکه بردگی در نیویورک لغو شود، به فردی به نام ون واگنن فروخته شد که او را آزاد کرد. سپس به شهر نیویورک رفت و به عنوان خدمتکار مشغول به کار شد و بعد هم به فعالیت‌های مذهبی پروتستان انجیلی پرداخت. در سال ۱۸۴۳ نامش را به سوجرنر تروث تغییر داد و به عنوان مبلغ دینی به بخش‌های مختلف کشور سفر کرد. او که سخنوری پر جذب بود، موعظه می‌کرد و سرود می‌خواند و مردم را به پذیرفتن کلام خدا و برادری انسان‌ها فرا می‌خواند. پیامش آمیزه‌ای از مذهب و جنبش الغای برده‌داری بود، و پس از آنکه با جنبش حقوق زنان آشنا شد، فمینیسم هم به این آمیزه اضافه شد. در دوران جنگ داخلی آمریکا، برای اتحادیه ایالت‌های شمالی کار می‌کرد و برای هنگ‌های سیاهپوستان آذوقه جمع می‌کرد. در سال ۱۸۶۴ به واشنگتن دی‌سی رفت و در آنجا به رفع

---

1. Sojourner Truth (1797-1883)

«جداسازی نژادی» در سیستم تراموای شهری کمک کرد، و از سوی آبراهام لینکلن به کاخ سفید پذیرفته شد.

در سال ۱۸۵۰، سوجرنر تروث به اولین همایش ملی حقوق زنان در ماساچوست پیوست و تنها زن سیاهپوست آن جمع بود. سال بعد در همایش حقوق زنان اوهایو شرکت کرد، اما بسیاری از شرکت کنندگان با حضور او مخالفت کردند چون می‌ترسیدند که جنبش فمینیستی با جنبش الغای برده‌داری، که آن زمان منفور خیلی‌ها بود، معشوش شود. وقتی سوجرنر تروث از جا بلند شد که صحبت کند، زمزمه‌های مخالفت به گوش می‌رسید. اما وقتی سخنرانی‌اش تمام شد، بانگ تشویق حضار فضا را پر کرد. این متن حرف‌های اوست:<sup>۲</sup>

---

۱. دسامبر ۱۸۵۱

۲. اصل آن را در اینجا ببینید.

## مگر من زن نیستم؟

خب فرزندانم، وقتی این همه سر و صدا به پا شده، حتما مشکلی هست. من فکر می‌کنم حالا که سیاهپوستان در جنوب و زنان در شمال همه دارند از حق و حقوقشان حرف می‌زنند، مردان سفیدپوست به زودی گرفتار موقعیت سختی می‌شوند. اما این همه بحث در اینجا بابت چیست؟

مردها می‌گویند زن‌ها برای سوار شدن به درشکه و رد شدن از جوی نیاز به کمک دارند و باید همیشه بهترین جا را داشته باشند. ولی هیچ‌وقت موقع درشکه سوار شدن و رد شدن از روی گودال، کسی به من کمک نکرده و بهترین جا را به من نداده! مگر من زن نیستم؟

به من نگاه کنید. بازوهایم را ببینید. شخم زده‌ام و کشت کرده‌ام و در انبار ذخیره کرده‌ام. هیچ مردی در این کار به من نمی‌رسد. مگر من زن نیستم؟ می‌توانستم به اندازه یک مرد کار کنم و بخورم - البته وقتی غذایی گیرم می‌آمد - و شلاق را هم تحمل کنم. مگر من زن نیستم؟

سیزده تا بچه به دنیا آورده‌ام، و شاهد بوده‌ام که بیشترشان را به بردگی فروخته‌اند، و وقتی از سر غصه مادری گریه کردم، فقط عیسی مسیح صدایم را شنید! مگر من زن نیستم؟

بعد حرف این چیزی که در سر انسان هست می‌زنند. اسمش چیست؟ (یکی از میان جمعیت می‌گوید: «عقل»). بله همان که گفتی، عزیزم. این چه ربطی به حقوق زنان یا حقوق سیاهپوستان دارد؟ اگر لیوان من کوچک باشد و مال شما بزرگتر، آیا خبثت نیست اگر شما نگذارید که من همان لیوان کوچکم را پر کنم؟

بعد آن مرد ریزه‌نقشی که لباس سیاه پوشیده و آنجا ایستاده می‌گوید حقوق زنان نمی‌تواند به اندازه مردان باشد چون عیسی مسیح زن نبود! مسیح شما چگونه به این دنیا آمد؟ مسیح شما چگونه به این دنیا آمد؟ به واسطه خدا و یک زن. مرد در تولد او نقشی نداشت.

اگر اولین زنی که خدا آفرید آنقدر قوی بود که یک تنه دنیا را زیر و رو کند، این زن‌ها هم با هم باید بتوانند دنیا را سر جایش برگردانند، درست سر جایش. و حالا که می‌خواهند چنین کنند، مردان بهتر است اجازه دهند.

خیلی سپاسگزارم که حرف‌هایم را شنیدید. سوজনر پیر حرف دیگری برای گفتن ندارد.



